



واکاوی پدیده «فرقه‌سازی درون مذهبی» در جریان سلفیه معاصر

حمید ایماندار^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۷/۱۸

رضا ملازاده یامچی^۲

تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۱۲/۲۳

چکیده

«فرقه‌سازی درون مذهبی» به عنوان پدیده‌ای منحصر به فرد در جریان سلفیه معاصر، این مکتب را به مناقشات و چالش‌های عمیق عقیدتی و کلامی گرفتار کرده است. بدین روی، پی‌جویی زمینه‌های شکل‌گیری این خرده‌فرقه‌ها، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر در راستای تحلیل حقیقت جریان سلفیه به شمار می‌رود. پرسش اساسی پژوهش حاضر، زمینه‌های شکل‌گیری و چگونگی ظهور و بروز این خرده‌فرقه‌ها در بطن جریان سلفیه است. در واکاوی این پدیده، شناسایی ماهیت و مؤلفه‌های هر یک از این فرقه‌های مورد بحث و تعیین حدود و ثغور و احیاناً هم‌پوشانی فکری و عقیدتی خرده‌فرقه‌های مذکور اهمیت دارد. به نظر می‌رسد جزم‌اندیشی، انحصارطلبی و جمودگرایی، عدم تحمل آرای مخالفان، تکفیرمحوری و خشونت‌طلبی تاریخی ائمه سلفیه در این امر نقش مؤثری ایفا نموده است.

واژگان کلیدی

سلفیه، فرقه‌سازی، جامیه، سروریه، حدادیه، ممیعه.

۱. دانش‌آموخته دکترای دانشگاه فردوسی مشهد.

۲. دانشجوی دکترای دانشگاه فردوسی مشهد.

مقدمه

یکی از مظاهر جالب توجه و شایسته تحلیل در جریان سلفیه معاصر، پدیده «فرقه‌سازی درون مذهبی» است. اهمیت این پدیده را می‌توان در حجم کتاب‌ها و مقالات انتشاریافته اصحاب این جریان مشاهده کرد، به گونه‌ای که مساعی متمرکز سلفیه در راستای حمله به جریان‌های مخالف برون‌مذهبی، تحت‌الشعاع توسعه روزافزون این امر قرار گرفته است. سؤال اساسی پژوهش حاضر این است که اساساً چه مؤلفه‌های تاریخی و عقیدتی در شکل‌گیری خرده‌فرقه‌های متعدد در جریان سلفیه معاصر مطرح است؟

با ارائه دسته‌بندی جامع و مانع از خرده فرقه های سلفیه، قادر خواهیم بود اساس شکل‌گیری، رویکردها و تأثیر و تأثر این جریانات بر یکدیگر را تحلیل کنیم. لذا در این نوشتار از دو موضوع اساسی سخن به میان خواهد آمد؛ گام نخست به استقصای خرده‌فرقه‌های موجود در جریان سلفیه معاصر اختصاص می‌یابد. و در خلال مباحث، به تبیین نقاط تلاقی و افتراق این جریانات، تأثیر و تأثر آن‌ها بر یکدیگر، علل و زمینه‌های شکل‌گیری و الهام‌گیری آن‌ها از رویکردهای کلان فکری داخل و خارج از جریان سلفیه خواهیم پرداخت.

در نگاه کلی می‌توان جریان سلفی‌گری را به دو دسته «سلفیه سنتی» و «نو سلفیه» تقسیم‌بندی کرد؛ لذا آنچه در سطور آتی مورد بحث قرار می‌گیرد، خرده‌جریاناتی است که در بطن این دو جریان عمده سلفیه ظهور و بروز یافته است.

۱. جریان سلفیه جامیه (مدخلیه) و زمینه‌های تاریخی شکل‌گیری آن

جریان «سلفیه جامیه» را باید جرقه نخست شکل‌گیری جناح نوسلفی‌گری دانست که تمامی جریانات مخالف با سلفیه سنتی را ذیل خود جای می‌دهد. جریان سلفیه جامیه منتسب به «شیخ محمد امان الجامی» از مبلغان سلفی کشور سعودی است که اصلیتی اتیوپیایی (حبشه قدیم) دارد (الجهینی ۱۰۹). در جنگ دوم خلیج فارس (۱۹۹۰ میلادی)، فتوای برخی علمای بزرگ وهابی در کشور سعودی مبنی بر جواز استعانت از نیروهای خارجی همچون آمریکا در دفاع از تمامیت ارضی این کشور، زمینه اصلی شکل‌گیری جریان جامیه را ایجاد کرد (گروه مؤلفان، ۲۰۱۲: ۳۸)؛ به طوری که مخالفان، طرح موافقان را که شیخ جامی نیز در زمره آن‌ها قرار داشت به «سلفیه جامیه» نام‌بردار کردند. شیخ ربیع المدخلی، شاگرد شیخ جامی نیز تلاشی دامنه‌دار و حتی گسترده‌تر از استادش را در دفاع از علمای منتسب به دربار سعودی

صورت داد. برادر شیخ ربیع، یعنی زید نیز در راستای تقویت جریان جامیه از هیچ تلاشی فروگذار نکرد، به گونه‌ای که برخی به واسطه مساعی وافر این دو، جامیه را با اصطلاحاتی چون «مدخلیه» و یا «مداخله» (به فتح میم) معرفی می‌کنند (الجهینی، بی‌تا: ۴). فالح الحرّبی، فرید المالکی، تراحیب الدوسری، عبداللطیف باشمیل عبدالعزیز العسکر و رائد آل طاهر از جمله دیگر شیوخ منتسب به جریان سلفیه جامیه هستند.

در ادامه بر آنیم تا اهمّ شاخصه‌های عقیدتی و کلامی مورد تأکید سلفیه جامیه و یا مدخلیه که این فرقه را از دیگر جریان‌های سلفی جدا می‌کند، معرفی کنیم تا در نهایت زمینه برای بررسی تطبیقی عقاید این جریان و دیگر گروه‌هایی منشق از جریان سلفیه سنتی فراهم گردد.

مؤلفه‌های عقیدتی و کلامی جریان سلفیه جامیه (مدخلیه)

جهت‌گیری‌های سیاسی - اجتماعی جریان جامیه به وضوح متأثر از مؤلفه‌های عقیدتی این جریان است؛ به گونه‌ای که برخلاف برخی جریان‌های نوسلفیه مانند اخوانی‌ها، جماعت تبلیغ، سروریه و مانند آن‌ها نمی‌توان مؤلفه‌های خاصی از رویکرد سیاسی این جریان را جدا از مبانی کلامی ایشان تعریف کرد؛ لذا می‌توان قریب به اتفاق مؤلفه‌های اجتماعی و سیاسی جریان جامیه را در شمار عقاید و دیدگاه‌های کلامی ایشان به شمار آورد. البته باید متذکر شویم که خواه ناخواه، اساس شکل‌گیری برخی مؤلفه‌های مورد اشاره به ادعاهای مخالفان باز می‌گردد که ممکن است مورد قبول جامی‌ها نباشد. ما در خلال مباحث، به تذکر خصوصیات مؤلفه‌ها از این منظر نیز توجه خواهیم داد. در ادامه، به طرح مؤلفه‌های خاص عقیدتی و کلامی جامیون خواهیم پرداخت.

الف. تأثر از رویکردهای عقیدتی محمد بن عبدالوهاب و ابن تیمیه در اصل توحید

جریان جامیه به حکم سر برآوردن از دل سلفیه سنتی، همواره تمسک خود به آرای ابن‌عبدالوهاب و ابن‌تیمیه را اعلام کرده و عمده امکانات مالی و رسانه‌ای پردامنه‌اش را به تبلیغ آرای این دو تن و شرح و ترویج آن‌ها اختصاص داده است؛ از این رو، بخش زیادی از مناقشه‌ها و چالش‌های این جریان با فرقه‌های درون‌مذهبی سلفیه، بر محور دفاع از آرای این دو تن، خصوصاً در مباحث توحیدی دور می‌زند. دفاع بزرگان جریان جامیه از مکتب اثبات صفات در تفسیر صفات خبریه، یکی از بارزترین مباحث کلامی مورد تأکید این جریان به شمار می‌آید. به همین دلیل، افرادی چون ربیع المدخلی، سروریه و یا قطبیه را به واسطه دفاعشان از مکتب توحیدی سید قطب به شدت تخطئه می‌کنند (المدخلی، بی‌تا (الف): ۱۷۷)، چراکه معتقدند

رویگرد تأویل‌گرایانه سید قطب در تفسیر صفات خبریه (سید قطب، ۱۴۱۲ق، ۹: ۹۲۹؛ ۶: ۳۳۸۵؛ ۵: ۳۰۲۸)، به مثابه انحرافی بزرگ از مکتب اثبات به عنوان یکی از مظاهر و مشخصه‌های مکتب کلامی ابن تیمیه به شمار می‌رود؛ جایی که وی مکتب ظاهرگرای اثبات را در مقابله با جریانات تفویضی اشاعره و تأویل‌گرایی امامیه و معتزله به عنوان نماد سلف‌گرایی در حوزه توحید صفاتی علم کرده است (ابن تیمیه، ۱۹۹۸ (ب): ۶۷؛ ابن تیمیه، ۲۰۰۰، ۶۹؛ ابن تیمیه، ۱۹۹۸ (الف)، ۲: ۳۲).

این چالش سلفیه جامیه با جریانات سروریه و اخوانیون در مسئله توحید ربوبی و الوهی نیز ادامه یافته، به طوری که سلفیه سنتی و به تبع آن جامیه، که اصلی‌ترین بخش این جریان است، به هیچ روی تمایز بین توحید خالقیت و ربوبیت را برنناخته (متولی، ۲۰۰۴: ۲۴۷) و در ادامه برآنند تا مشرکان صدر اسلام را معتقد به توحید ربوبی (به عنوان مجموع توحید خالقیت و ربوبیت در تفکر سلفیه سنتی) معرفی کرده (ابن عبدالوهاب، بی‌تا: ۱۶) و اساس شرک ایشان را در توحید عبادی و یا به تعبیر سلف‌گرایانه «توحید الوهی» خلاصه کنند (ابن جبرین، بی‌تا: ۱۲)؛ امری که سید قطب، یکی از معتمدان جریان نوسلفی، با آن مخالفت ورزیده، به گونه‌ای که وی مشرکان را، مشرک در توحید ربوبی تلقی کرده است (سید قطب، ۱۴۱۲ق، ۴: ۱۸۴۶). این مسئله آن‌جا اهمیت پیدا می‌کند که بدانیم سلفیه جامیه، با این مبنا به تکفیر جوامع اسلامی دست یازیده‌اند، چراکه از منظر ایشان مناسکی چون توسل و استغاثه به اولیا، صرفاً به دلیل تحقق عنوان واسطه‌گری بین مخلوق و خالق، شرک عبادی است؛ هرچند شخص به ربوبیت مدعو معتقد نباشد (آلبانی، ۲۰۰۱: ۴۶؛ الارنؤوط، ۱۹۸۷: ۲۹). به همین دلیل است که تفکر قطبیون، به آسانی بنیان تکفیرگرای سلفیه سنتی را در حوزه توحید الوهی متزلزل می‌کند.

اما نقطه عطف مناقشات بین جامیه - نماینده سلفیه سنتی - و جریانات منتسب به نوسلفیه همانند سروریه، اخوانی‌ها و قطبی‌ها، به طرح «توحید حاکمیتی» توسط نوسلفیان مربوط می‌شود.

در توضیح این مسئله باید گفت، در عصر حاضر می‌توان از دو طیف متمایز، به عنوان نماینده تفکر سلفی سخن به میان آورد؛ اولین طیف از سلفیون معاصر را سلفیه سنتی تشکیل می‌دهد که به واقع آینه تمام‌نمای اندیشه‌های ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب بوده و صبغه‌ای کاملاً مذهبی - کلامی دارد. تصویری که این طیف از «توحید» ارائه می‌دهند، زمینه انتساب بسیاری از مسلمانان را به شرک فراهم آورده و آتش جریان‌های تکفیری را شعله‌ور کرده است.

امروزه منتسبان به تفکر سلفیه سنتی با بهره‌گیری از امکانات مالی و حمایت‌های سیاسی برخی دولت‌ها، در معرفی مسلک مورد تأکید خود کوشیده‌اند. این جریان سلفیه با عنایت به نقش دولت سعودی در حمایت‌های مادی و معنوی از آن، از سوی مخالفان به «سلفیه درباری» و یا «جامیه» (منتسب به شیخ محمد امان الجامی) شهرت یافته است (Mermissi p. 25). طیف دوم جریان سلفیه در عصر حاضر «جریان نوسلفی» است که می‌کوشد مباحث توحید اسلامی را از توحید قبوری و تکفیر دیگران، به توحید عملی و جنبه‌های گوناگون آن در جامعه کشانده و از احیای توحید به احیای حکومت اسلامی - در برابر حکومت جاهلیت - و نیز توحید در قانون‌گذاری و توحید در حاکمیت راه یابد؛ هم‌چنین اصل جهاد را نه در برابر برادران مسلمان، بلکه در برابر جبهه کفر و نظام سلطه به تحقق عملی برساند (امیرخانی، ۱۳۸۹: ۱۴۳).

البته سلفیه جامیه نیز توحید در حاکمیت و به عبارتی «توحید تشریحی» را قبول دارند، اما مصرند که آن را ذیل «توحید الوهی» تعریف کنند؛ امری که به سبب کاستن از شأن این مسئله، هرگز مقبول نوسلفیان نیست. از سوی دیگر، سلفیه جامیه نیز با روحیه جزم‌گرای خود حاضر نیست از تقسیم ثلاثی توحید (توحید صفاتی، توحید ربوبی و توحید الوهی) دست بکشد؛ لذا حتی در مسائل شکلی مانند تقسیمات توحید، نقدهای سهمگینی به نوسلفیان وارد می‌کند؛ مثلاً نوسلفیانی چون «مسعری» تقسیمات هفت‌گانه را از حوزه‌های مختلف توحید ارائه کرده‌اند که به شدت مورد مخالفت سلفیه سنتی قرار گرفته است (المسعری، ۲۰۰۴: ۱۳۸). در هر حال، توحید حاکمیت مطرح‌شده از سوی نوسلفیان، هم به جهت خدشه در تقسیم ثلاثی توحید سلفیه جامیه و هم به لحاظ ارائه رویکردهای مفهومی متضاد با این جریان مورد قبول جامیون نیست.

اما مسئله مهم دیگری که به عنوان یکی از لوازم توحید حاکمیتی، به شدت با رویکردهای حکومت‌پسند جامیون در تضاد است، تکفیر حاکم بغیر ما انزل الله از سوی نوسلفیان است (المقدسی، بی‌تا: ۶۸؛ سید قطب، ۱۴۱۲ق، ۲: ۷۳۹؛ المبرد، ۱۱۸)؛ در حالی که سلفیه سنتی با تفسیری غیرتکفیری از آیه ۴۴ سوره «مائده»، کفر حاکم بغیر ما انزل الله و محکومان راضی به این امر را به استحلال قلبی آن‌ها مقید کرده‌اند (ابن کثیر، ۱۹۹۸، ۳: ۱۰۹) (گفتنی است، تفکرات سلفیان سنتی معاصر مبتنی بر قبول آرای افرادی چون ابن تیمیه، ابن کثیر و گاهی آلوسی است). نوسلفیان، صرف عدم تطبیق عملی شریعت و یا وضع قوانین بشری در مقابل تشریحات الهی را مساوی با تکفیر عامل این امور دانسته‌اند؛ لذا ملاحظه می‌شود که مخالفان سلفیه جامیه بر مؤلفه‌هایی در حوزه توحید تأکید دارند که با تقدیس آرای ابن تیمیه و

ابن‌عبدالوهاب و هم‌چنین دفاع تمام و کمال از مبانی حکومت سعودی از سوی جامیه منافات دارد. بدین روی، جامیون نمی‌توانند بنا به ارادت خاص خود به این تیمیه، از مکتب اثبات صفات و یا تقسیم ثلاثی توحید توسط وی دست شسته و تأویل‌گرایی نوسلفیان را تصویب کنند. به نظر می‌رسد، از طرفی همراهی با نوسلفیان در تکفیر حاکم بغیر ما انزل الله، صرفاً به علت وضع قوانین بشری و یا عدم تطبیق شریعت، در حکم چراغ سبزی برای تخطئه و تکفیر حکام سعودی خواهد بود که این امر نیز با پیوند وثیق جامیه و حکومت سعودی در تضاد خواهد بود.

ب. توسعه دامنه تخطئه علمای مخالف با مبانی عقیدتی جامیه

مخالفان جامیه معتقدند، یکی از مؤلفه‌های منفی این جریان، تخطئه تمامی علمایی است که با مبانی سلفیه سنتی و درباری مخالفند (گروه مؤلفان، ۲۰۱۲: ۱۵؛ الجیهینی، بی‌تا: ۵). ربیع المدخلی، از سران جامیه به شکل بسیار گسترده‌ای به تجریح علمای نوسلفی همت گماشته است، به طوری که اساس تسمیه بسیاری از جریانات مخالف به واسطه وی صورت پذیرفته است. مدخلی به شکل وسیع از فرقه‌هایی چون حدادیه، سروریه، حسنیه، ممیعه، قطبیه و اخوانیون نام برده و ردیه‌نویسی به مهم‌ترین اشتغال روزانه وی بدل شده؛ به گونه‌ای که رساله‌های متعددی را در ردّ مخالفان سلفیه سنتی همچون ابوالحسن السلیمانی الماری، سفر الحوالی، سلمان العوده، محمود الحداد، محمد بن سرور زین‌العابدین و بسیاری دیگر از افراد به نگارش درآورده است.

رویکرد تجریحی جامیه و خصوصاً ربیع المدخلی حتی از سوی خود وی نیز پذیرفته شده و البته مدخلی، اقدام به چنین امری را در راستای مبارزه با بدعت‌ها و انحرافات سلفیه ارزیابی می‌کند. در همین راستا بزرگان نوسلفیه همچون «سفر الحوالی» و «سلمان العوده» با نفوذی که بر مفتی اعظم سعودی «بن باز» داشتند، توانستند وی را در صدور بیانیه‌ای برای ردّ رویه تجریحی مدخلی مجاب کنند (گروه مؤلفان، ۲۰۱۲: ۱۳۴؛ الحوالی، بی‌تا: ۳) و همین امر تا حدود زیادی سبب انفتاح در عملکرد نوسلفیه و سرخوردگی اصحاب جامیه گردید.

در عین حال، مخالفان جامیه بر آنند تا رویکرد تجریحی این جریان را با طرح اصطلاح «موازنه» محکوم کنند. بر اساس این اصل، مخالفان جامیون معتقدند بیان محسنات اهل بدعت در کنار آگاهی دادن از انحرافات آن‌ها، امری مستند به منابع دینی و سیره علمی سلف صالح است (الجیهینی، بی‌تا: ۱۵)؛ مسئله‌ای که علمای جامیه به بهانه بی‌تأثیر شدن گزاره‌های تجریحی در پی ایراد محسنات اهل بدعت، پذیرش آن را برنمی‌تابند (گروه مؤلفان، ۲۰۱۲: ۱۱). مراد از

«تبدیع» در قاموس جامیه، امری فراتر از نقد است که به ضرورت عدم اخذ علوم دینی از افراد بدعت‌گذار منتهی می‌شود.

همین روند افراط‌گرایانه جامیه سبب شده علمایی چون شیخ بن جبرین، شیخ بکر أبوزید، شیخ عبدالله الغنیمان، شیخ عبدالمحسن العباد، شیخ عبدالرحمن البرآک عبدالله السعد، سعد الحمید، عبدالرحمن المحمود، محمد العریفی، بشر البشر، سلیمان العلوان و عدنان العرعور نیز از تجریحات پرشمار جامیون و در رأس آن‌ها ربیع المدخلی در امان نمانند. مخالفان جامیون معتقدند، در طول تاریخ اسلام سابقه نداشته که با اتخاذ چنین رویکردی، بسیاری از علما و مبلغان دینی به انحراف و بدعت متهم شده و از دایره سلفیه خارج شوند.

مبالغه در بیان اشتباهات، در کنار توسعه عمیق دامنه بدعت از سوی جامیون و هم‌چنین رویکرد تنگ‌نظرانه و جزم‌گرایانه ایشان سبب شده است وقوع هر گونه انحرافی از سوی مخالفان، به حرمت اخذ علوم دینی از این افراد منتهی گردد و حتی مبتدع ندانستن اهل بدعت نیز نوعی بدعت خوانده شود. مخالفان جامیه معتقدند ایشان بدون رعایت اصل حکم مقید بر مطلق و یا مجمل بر مبین، هر گونه سخن موهم بدعت را انحراف عقیدتی صاحب آن می‌خوانند. (المدخلی، بی تا (ب): ۱۸)

مخالفت با عملیات استشهادی و تحریم آن از سوی جامیون (الجهینی، بی تا: ۹۱؛ ابن‌عثیمین، ۱۴۲۶ق، ۱: ۱۶۵؛ غامدی، بی تا: ۳۷۹) سبب شده هر شخص مخالف با این عقیده، مبتدع و منحرف شناخته شود، در حالی که مخالفان جامیون بر این باورند که چنین مسائلی در دایره فقه و نه عقاید قرار دارد و یا این‌که تفاوت اجتهاد در مسائل دینی نباید منجر به تسمیه مخالفان به بدعت‌گذاری شود.

از منظر مخالفان، طرح لوازم قول مخالفان به عنوان عقیده آنان، عدم روشن بودن معیارهای جامی‌ها برای حرمت اخذ علوم دینی از بدعت‌گذاران و عدم اخذ علم از وی، خلط بین مفهوم بدعت و مصالح مرسله و تمایز قائل نشدن بین اصول و فروع، از اهم اشکالات رویکرد افراط‌گرایانه جامیه به حساب می‌آید. مخالفان جامیه معتقدند بر اساس بیان ابن‌تیمیه (ابن‌تیمیه، بی تا: ۳۱۱)، خطای عالم در برخی فتاوا نباید موجب منع وی از صدور افتاء و اخذ علم از وی گردد. به علاوه، مخالفان بر آنند که در تجریح فرد مبتدع باید ضوابطی چون: استعمال الفاظ جرح صریح الدلاله مطابق با منابع شرعی، منظور داشتن مقتضیات عصری استعمال الفاظ جرح، و مسئله طرح حسنات به موازات ذکر بدعت‌های مبتدع (اصل موازنه) مورد توجه قرار گیرد.

ج. تأکید بر حرمت خروج بر حکام و ولات

جامیون به تبع ارتباط وثیق خود با حاکمیت سعودی، هر گونه خروج بر حکام را تحریم می‌کنند (الجهینی، بی‌تا: ۲۳). ایشان بر آنند تا این امر را به کلام بزرگان سلفیه مستند کنند (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق، ۲: ۷۸؛ الآجری: ۴۲). در نقطه مقابل، مخالفان جامیه محکوم کردن خروج امام حسین علیه السلام بر یزید از سوی این جریان را امری غیرمقبول تلقی می‌کنند (الجهینی، بی‌تا: ۴۳). مخالفت جامیون با رویکرد نوسلفیان در مسئله تکفیر حاکم بغیر ما انزل الله و حمایت از انقلاب‌های عربی را نیز باید متأثر از این مسئله تعریف کرد. جامیون و سلفیان سنتی معتقدند، حاکم بغیر ما انزل الله صرفاً در صورت استحلال قلبی و یا جاری کردن کفر درونی خود بر زبان می‌تواند از سوی محکومان مورد اعتراض قرار گیرد؛ آن هم اعتراضی که در آن کیفیت و ابزار مستعمل در برکناری حاکم مسالمت‌آمیز بوده و موجب هدر رفتن دماء معصوم و یا انقلاب‌های خونین نگردد. جامیون حتی مخالفت لسانی با سلطان در قالب برپایی تظاهرات و مانند آن را نیز برنتافته و معتقدند، صرفاً باید در خفا به نصیحت و خیرخواهی حکام پرداخت (الجهینی، بی‌تا: ۲۳؛ السدلان، بی‌تا: ۸۸). جامیون از اتصاف مخالفان خود در این قضیه به «خوارج» و یا «مارقین» نیز ابایی ندارند و از قدرت رسانه‌ای خود نیز در راستای ترویج این اعتقاد بهره می‌گیرند.

ارائه نظریه بطلان جهاد بدون اذن امام و همکاری با استخبارات حکومتی (یا به عبارت مخالفان: سخن‌چینی نزد سلطان) از دیگر رویکردهای جامیون در راستای طرد افکار نوسلفیان و دفاع از حکام به حساب می‌آید. (ابن‌عثمان، ۲۰۱۰: ۲۸۸)

د. مخالفت با تحزب، دموکراسی و جمعیات و انجمن‌های سیاسی

سلفیه جامیه در راستای حمایت همه‌جانبه از حکام، اموری چون: تحزب، عضویت در جمعیت و انجمن سیاسی حتی از نوع اسلامی آن، توجه به اصول مردم‌سالاری و پذیرش کنوانسیون‌های بین‌المللی را نوعی انحراف و مخالف با اسلام سلفی می‌دانند (الجهینی، بی‌تا: ۷۸)؛ در راستای تطبیق این اصل خودساخته، جامیون به طور مشخص اخوانیون (گروه مؤلفان، ۲۰۱۲: ۱۶۰)، جماعت تبلیغ (تویجری، بی‌تا: ۱) و سروریه (گروه مؤلفان، ۲۰۱۲: ۱۶۳) را خارج از دایره اهل سنت و جماعت می‌پندارند. لذا آل‌طاهر، از ائمه معاصر جامیه، در کتابی مستقل اخوانیون و طرفداران جماعت تبلیغ در هند را خارج از دایره اهل سنت و جماعت تعریف کرده

و بر آن است تا استناد مخالفان به تزکیه ائمه جامیه مانند بن باز، ابن‌عثیمین و البانی نسبت به این دو گروه را مخدوش جلوه دهد (آل طاهر، بی تا (ب): ۴۷ و ۶۱).

هـ. جمودگرایی و مخالفت با افکار روشن‌فکری، فلسفی، کلامی و عرفانی

جامیه در راستای تقدیس هرچه بیشتر میراث ابن‌تیمیه و اعوان وی علوم فلسفی، کلامی و عرفانی را تحریم کرده و حتی هر گونه نوگرایی در ارائه اصول دینی در جهت جذب جوانان به دین را غیرمشروع می‌پندارد. جامیون حتی در حوزه فروع، طرح مسائلی چون «فقه واقع‌گرا» از سوی نوسلفیانی چون ناصر العمر (الجزائری، ۲۰۰۸: ۱۵۶) را به دیده تردید و بدبینی تمام می‌نگرند. معرفی ابزارهای تبلیغی به عنوان اموری توقیفی و رد سخنانی‌های جذاب نوسلفیون با ذم آن‌ها تحت عنوان «قصاصین» (ابن‌عثمان، ۲۰۱۰: ۶۵۸)، امری در جهت تحکیم سلفیه سنتی و رد شیوه‌های جذب نوسلفیان بوده است. همین جمودگرایی شدید سلفیه سنتی سبب شده گرایش به نوگرایی نوسلفیان در ارائه و تبلیغ دین مورد توجه شدید جامعه سعودی قرار گرفته و سلفیان منتسب به جریان جامیه با نوعی انزوا مواجه گردند.

۲. جریان سلفیه سروریه (قطیبه، اخوانیون) و زمینه‌های تاریخی و اجتماعی شکل‌گیری آن

جریان «سروریه» منتسب به «سرور بن زین‌العابدین»، مبلغ سوری‌الاصل ساکن سعودی است. البته وی نسبت به دیگر بزرگان این جریان نوسلفی همانند سفر الحوالی، سلمان العوده و عائض القرنی پای‌بندی بیشتری به اصول سلفیه سنتی در مباحث کلامی همچون توحید دارد، اما به سبب پیشتازی در مخالفت با ارتباط محکم جامیه با دربار سعودی و حمایت بی‌چون و چرای آن‌ها از حکام، نماد جریان نوسلفیه به شمار رفته و از این رو جامیه، نوسلفیان را به نام «سروریه» می‌شناسند. در این میان، غالب منتسبان به جریان سروریه، علقه بسیاری به افکار سید قطب و برادرش محمد قطب دارند؛ لذا همان‌گونه که بیان شد، تضادهای عمیق این جریان به سبب توافق فکری با برادران قطب با جریان جامیه، به‌خصوص در مباحث توحیدی قابل انتظار است؛ هم‌چنان‌که در سطور پیشین به تمایزات گسترده نوسلفیه با سلفیه سنتی در مسئله توحید اشاره شد. لذا باید این مسئله را به مناقشات عمیق توحیدی جامیه و سروریه به عنوان نمایندگان دو طیف سلفیه سنتی و نوسلفیه نیز تعمیم داد. هم‌چنین مبنای جامیون در تکفیر مشروط و مقید حاکم بغیر ما انزل الله، تحریم خروج بر حاکم به عمل و یا لسان، رد عملیات استشهادی و جهاد بدون اذن امام، تحریم جماعات اسلامی، تصویب مشروعیت حاکمیت حاکم غالب به قوه قهریه (ابن‌عثمان، ۲۰۱۰: ۲۸۸) و تحزب سیاسی همگی پاسخی به

مؤلفه‌های جریان سروریه به شمار می‌آید و به عبارتی، باید این مؤلفه‌ها را در درجه اول به عنوان شاخصه‌های سروریه تلقی کرد؛ لذا جامیه در شکل‌گیری و ادامه حیاتش، مرهون جنبش سروریه بوده و مؤلفه‌های آن نیز باید واکنشی در مقابل جریان انقلابی سروریه تعریف گردد. در این میان می‌توان از برخی مؤلفه‌های عقیدتی دیگر در خصوص جریان سروریه سخن به میان آورد که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌گردد.

مؤلفه‌های خاص جریان سلفیه سروریه

جریان سلفیه سروریه دارای برخی مؤلفه‌های مختص به خود است که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌گردد:

الف. تکفیر فرد مصر بر کبائر از منظر سروریه

تکفیر مصر بر کبائر از سوی سروریه را باید متأثر از رویکرد عمل‌گرایانه، واقع‌گرایانه و جامعه‌محورانه آنان تلقی کرد، به گونه‌ای که آن‌ها با نظاره اوضاع بی‌دینی و عدم توجه مردم به مقتضیات ایمان و نطق به شهادتین، ترجیح داده‌اند مصر بر معصیت را قائم مقام مستحل آن قرار دهند و او را تکفیر کنند (ابن‌عثمان، ۲۰۱۰: ۹۷). «العوده» با همین رویکرد محافظه‌کارانه، افرادی را که در هتل‌های دولت‌های عربی به شرب خمر عادت کرده‌اند، تکفیر کرده و معتقد است همین اصرار بر معصیت، نشان از اعتقاد قلبی شخصی به استحلال شرب خمر داشته و ملاک تکفیر قرار می‌گیرد (العوده، ۱۴۳۱ق: ۵۹). ناصر العمر نیز معتقد است، بعضی معاصی همچون «معمول شدن ربا در جامعه» را نمی‌توان به طور قطعی صرفاً معصیت حساب کرد، بلکه برخی از این‌ها حقیقتاً کفر اعتقادی به شمار می‌روند (العمر، بی‌تا: ۳۷). این امر در کنار تکفیر حاکم بغیر ما انزل الله بدون تقييد آن به عنوان «استحلال» سبب شده جامیون، سروریه را خوارج عصر معرفی کنند (ابن‌عثمان، ۲۰۱۰: ۵۹).

ب. متهم کردن مخالفان به تفکر ارجائی در رویکرد عقیدتی سروریه

سفر الحوالی با تأثر تفکرات انقلابی‌گری و اصلاح‌طلبانه استاد خود سید قطب، رساله دکترای خود را به پدیده «تفکر ارجائی» اختصاص داد و در این راستا بزرگان سلفیه جامیه، همچون البانی را به حجت «عدم اعتقاد به مدخلیت عمل در مفهوم ایمان» به تفکر ارجائی متهم کرد (الحوالی، ۱۴۰۵ق، ۲: ۱۵۱). این امر را باید در تفکرات محمد قطب مبنی بر جاهلیت مردم امروز به جهت عمل نکردن به مقتضیات توحید و شهادتین ریشه‌یابی کرد (محمد قطب،

۱۹۹۷: ۴۱۸). بنابراین می‌توان مدعی شد تفکراتی چون تکفیر «مصرّ بر کبائر» و یا تکفیر «حاکم بغیر ما انزل الله، بدون قید استحلال» نیز از آن سرچشمه گرفته است.

۳. جریان سلفیه حدادیه و زمینه‌های شکل‌گیری آن

یکی از پیامدهای افراط‌گرایی جامیون در مسئله تجریح مخالفان، با ظهور افرادی چون «شیخ محمود حداد» در درون این جریان ظهور پیدا کرد. محمود الحداد مصری ضمن پای‌بندی به غالب معتقدات سلفیه سنتی، تأکید عجیبی بر مسئله هجر مبتدع، ترک ترحم بر او و تسرع در تبذیر بدعت‌گذاران داشت و حتی متقدمان سلفیه چون: نووی، ابن حجر، طحاوی و شوکانی را بدعت‌گذار می‌خواند (المدخلی، بی تا (ب): ۱۸؛ غامدی، بی تا: ۲۶۶). فوزی الاثری بحرینی، المعسکر، عبدالحمید الجهنی و عبدالله بن صوان الغامدی نیز دنباله‌رو حداد در این امر شدند (الکردی، بی تا: ۱۶). این مسئله را خیلی زود افرادی چون مدخلی، صاحب لواء جرح و تعدیل در جریان جامیه، دریافته و به ردّ تندروی افرادی چون محمود الحداد پرداختند. شاید معرفی البانی به یکی از بدعت‌گذاران سلفیه و لزوم کناره‌گیری از وی به عنوان فردی مبتدع از سوی محمود الحداد باعث شد تا مدخلی به پیامدهای سوء رویه خود در مسئله تجریح و تبذیر مخالفان آگاه شده و خود در معرفی اتباع حداد به عنوان متبعان مسلک حدادیه پیش‌قدم گردد. وی حداد و پیروانش را به غلو در امر تبذیر متهم کرده و معتقد است ائمه سلفی سعی می‌کردند از تصریح به عنوان «مبتدع» خودداری کرده و میان مبلغان افراط‌کننده در بدعت و غیر آن‌ها تمایز قائل شوند (المدخلی، بی تا (ب): ۴). به علاوه، جامیه عدم اشتراط تحقق اقامه حجت بر فرد پیش از اتصاف به عنوان مبتدع را از دیگر لغزش‌های حدادیه برمی‌شمرد (الاحمری، ۲۰۰۸: ۸۱).

مؤلفه‌های جریان حدادیه از منظر بنیان‌گذار این مکتب

محمود الحداد خود را با کتابی مفصل در بدعت‌گذار خواندن البانی با عنوان «النصیحة فی الردّ علی الالبانی» بر سر زبان‌ها انداخت. وی در این کتاب، اشکال مخالفان مبنی بر مطلوب نبودن طعن بر علما را با استناد به اقوال خود البانی رد می‌کند (الحداد، بی تا: ۱۴). وی شرط اعلم بودن از فرد بدعت‌گذار (الحداد، بی تا: ۳۱) و یا مسئله ترحم بر مبتدع (الحداد، بی تا: ۷۵) را نیز نمی‌پذیرد. حداد، عذر به جهل و یا تقلید در خصوص بدعت‌گذار (الحداد، بی تا: ۳۹۱)، موازنه در ذکر حسنات و سیئات وی (الحداد، بی تا: ۴۰۹) و ضرورت تفریق بین تبذیر مطلق و معین

(الحداد، بی تا: ۵۰۲) را نیز نارسا می‌داند. وی دعوت البانی به فروگذاری تقلید در مذهب و یا فهم فقهیات با ابزار اصول فقه (الحداد، بی تا: ۷۷۹) را از مصادیق بدعت‌گذاری وی تلقی کرده است.

محمود الحداد با تمسک به یکی از قواعد نوسلفیان، یعنی مسئله محکوم کردن تفکر ارجائی، دامنه علمای به زعم خود مبتدع را تا حد زیادی گسترش داد؛ به طوری که علمای جامیه همچون البانی و حتی ابن تیمیه نیز به سبب تعریف خاص خود از ایمان، در زمره مرجئه و در نتیجه مبتدعین قرار می‌گرفتند (المدخلی، بی تا (ب): ۲۰). لذا «مدخلی» در رسائل خود با استدلال به روایات شفاعت که طبق مدلولات آن‌ها فرد بی‌عمل و ناطق به شهادتین نیز اهل نجات است، به الفوزی البحرینی و فالج الحربی می‌تازد که چگونه کسی را که عمل را در ایمان داخل دانسته و قائل به زیادت و نقصان آن است، در شمار مرجئه قرار داده‌اند، هرچند وی به تکفیر تارک عمل قائل نباشد. مدخلی در این راستا، ابن عبدالوهاب را نیز موافق با رأی خود معرفی کرده و معتقد است، حدادیون با طرح اتهام تفکر ارجائی نسبت به فرد قائل به عدم تکفیر تارک جنس عمل، عملاً خیلی از ائمه سلفیه را داخل در تفکر مرجئه معرفی کرده‌اند (آل طاهر، بی تا (ر): ۱۵۶).

بدین ترتیب باید حدادیه را نسخه‌ای افراط‌گرایانه از جامیه تعریف کرد، جز این که حداد به جهت توسعه دامنه بدعت و ارائه نوعی منهج عمل‌گرایانه به سان نوسلفیه، به تعریف سروریه همانند سفر الحوالی از مفهوم تفکر ارجائی نیز متوسل شده و در این مسئله از قواعد جامیه اعراض کرده است.

۴. جریان سلفیه ممیعه و زمینه‌های تاریخی شکل‌گیری آن

جریان «ممیعه» در پی احساس خطر برخی اصحاب درون‌مذهبی سلفیه نسبت به افراط‌گرایی جامیه و حدادیه در امر تکفیر و تبذیر مخالفان شکل گرفت. حسن الحلبي الاثري و ابوالحسن السليمانی الماری را باید دو تن از بنیان‌گذاران این جریان به حساب آورد. اصطلاح «ممیعه» نیز همچون حدادیه، ساخته و پرداخته تئوریسین جریان جامیه، یعنی ربیع المدخلی است. وی پس از مطالعه برخی بیانات حلبی و السليمانی، رویکرد این دو تن در مسئله تکفیر و تبذیر را نقطه مقابل جریان حدادیه یافت و به دلیل رویکرد تساهل و تسامح این جریان در امر تکفیر، آن‌ها را «ممیعه» و یا «اهل تمیيع» نام‌گذاری کرد و ردیاتی علیه ایشان نوشت. البته

باید تصریح کرد، رویکرد الحلبی و السلیمانی بیشتر در جهت نکوهش رویه افراط‌گرایانه حدادیه، حفظ شأنیت علما و زدودن منهج تکفیر‌گرایانه سلفیه شکل گرفت.

مؤلفه‌های عقیدتی جریان سلفیه ممیعه

السلیمانی کتاب *نصح و لا نهدم* را در جهت ترجیح تصحیح خطاهای مبتدعان به جای تشنیع و تکفیر آن‌ها تألیف کرده و این رأی را مطابق آرای بزرگان سلفیه همچون ابن تیمیه می‌داند (السلیمانی، بی تا (ج: ۷)؛ اما جامیه این امر را تساهل در امر تبذیر و تکفیر به حساب آورده و با همان قدرتی که با افراط‌گرایی حدادیه مقابله می‌کردند، ممیعه را نیز به سان حدادیه به عنوان دشمن منهج سلف معرفی کردند.

در این میان، رائد آل طاهر از اعیان مکتب جامیه، شیخ الحلبی را به دلیل معرفی عمل به عنوان جزء کمال‌بخش (و نه قوام‌بخش) ایمان، واجد تفکر ارجائی خوانده و آن را یکی از مظاهر معرفی وی به عنوان اهل تمیيع می‌پندارد (آل طاهر، بی تا (ج: ۱۰).

جامیون به ابوالحسن السلیمانی نیز در مسئله حجیت ندادن به اخبار آحاد در امر عقاید، تاخته و آن را مخالف با مکتب سلف معرفی کرده‌اند (المدخلی، بی تا (ج: ۲). جامیون معتقدند، اصحاب تمیيع همچون عدنان العرعور و یا السلیمانی با جعل اصطلاح «اطلاقات و مجملات علما» بر آند تا به آرای مبتدعانی چون سید قطب حجیت بخشند؛ لذا جامیون مسئله اتکا به عنوان «اطلاقات العلما» را امری ساخته و پرداخته اهل تمیيع در جهت تزکیه اهل بدعت می‌پندارند (آل طاهر، بی تا (ج: ۲۱).

جامیون، توسع اصحاب تمیيع در اموری چون موازنه بین حسنات و سیئات مبتدعان (آل طاهر، بی تا (ج: ۱۳۱)، تأکید بر عدم اقناع به تجریحات واردشده بر مبتدعان از سوی جامیه (آل طاهر، بی تا (ج: ۱۳۹)، قول به اجتهادی بودن امر تعدیل و تجریح (آل طاهر، بی تا (ه: ۱۷)، عدم الزام به قبول جرح مفسر معتبر (آل طاهر، بی تا (ج: ۱۷۹)، اثبات جرح با آرای مجمع علیه و مستفیض (آل طاهر، بی تا (ی: ۷۱)، انکار تقسیم بین فروع و اصول در مسئله ایمان (آل طاهر، بی تا (ی: ۲۱۷)، توضیح دایره اختلاف بین سلفیه و مخالفان (آل طاهر، بی تا (ی: ۸۳) و دعوت به مسئله وحدت ادیان (آل طاهر، بی تا (ی: ص ۲۲۲) را نیز امری در جهت تسامح‌گرایی این فرقه دانسته و آن را محکوم می‌کنند.

السلیمانی در راستای تصویب منهج اعتدال‌گرایانه‌اش (البته به زعم خودش)، منهج ربیع المدخلی در امر تکفیر را به شدت نقد کرده و معتقد است، وی گاه فرق تکفیر مطلق و معین را

در کلام علما به خوبی تفهیم نکرده (السلیمانی، بی تا (الف): ۱۱) و یا شخص را به لازمه قولش تکفیر می کند (السلیمانی، بی تا (الف): ۱۲)؛ لذا سلیمانانی، جامیون را به تشدد و تسرع در امر تکفیر متهم می کند. السلیمانی مکتب جامیون همانند عبید الجابری، فالج الحربی و ربیع المدخلی در امر تجریح مخالفان را غلوآمیز خوانده و آن را مخالف با آرای علمای بزرگ سلفیه معاصر همچون ابن عثیمین و بن باز می خواند (السلیمانی، بی تا (د): ۲۵).

مخالفت با اصل «هجر» و کناره گیری از مبتدع توسط اصحاب تمییع نیز مورد انتقاد شدید جامیون قرار گرفته است (آل طاهر، بی تا (ه): ۵۵). در این راستا، جامیون خود را در مسئله تبذیع اصحاب، قول وسط معرفی کرده و حدادیه را به افراط و ممیعه را به تفریط در مسئله تعامل با اهل بدعت معرفی می کنند.

رائد آل طاهر تلاش دارد با ذکر طعون «ابوصفوه راکان» نسبت به صحابه و نبی اکرم ﷺ (آل طاهر، بی تا (ی): ۳۷)، توقف وی در تبذیع ابن حزم به واسطه نفی صفات از سوی وی (آل طاهر، بی تا (ی): ۷۵) و معرفی جرح و تعدیل به مثابه امری اجتهادی (آل طاهر، بی تا (ی): ۱۰۱)، وی را متهم به دل بستگی به افکار اهل تمییع نماید. آل طاهر از پی جویی افکار حلبی در جهت معرفی او به عنوان اهل تمییع نیز فروگذار نکرده و رساله ای مستقل را به انحراف وی از تفکر اصیل سلفی (و یا به زعم مخالفان، همان تفکر جامیه) متهم کرده است.

دعوت به وحدت ادیان (آل طاهر، بی تا (الف): ۲)، تقریب بین مذاهب (آل طاهر، بی تا (الف): ۷)، توسع در اصل موازنه بین حسنات و سیئات مبتدع (آل طاهر، بی تا (الف): ۲۵) و تأکید بر جرح اقناعی و اجماعی (آل طاهر، بی تا (الف): ۳۰)، به زعم آل طاهر از عمده مثال حلبی در مخالفت با سلفیه به شمار می رود که در نهایت، او را در موافقت تام با تفکر ممیعه قرار خواهد داد.

آل طاهر با استناد به بیانات مراد خود ربیع المدخلی و با اشاره به مسئله توقف در تبذیع مبتدعه و یا دفاع از بدعت گزاران از سوی اهل تمییع، آن ها را اهل خذلان معرفی می کند (آل طاهر، بی تا (د): ۴۲).

البته السلیمانی متهم شدنش به اعتقاد به اخوت ادیان و آزادی اعتقاد را بهتانی می داند که از سوی جامیه به وی منتسب شده است (السلیمانی، بی تا (ب): ۲).

در نهایت باید تصریح کرد، جامیه به حکم جزم اندیشی و عدم تحمل مخالفان هر گونه زاویه ای از معتقدات جمودگرایانه خود را مساوی با خروج از منهج سلف معرفی می کنند؛ لذا

حدادیه را به افراط و ممیعه را به تفریط در اصول خود متهم کرده و در صدد مخدوش جلوه دادن عقاید این دو فرقه مزعوم هستند.

نتیجه پژوهش

توسعه پردامنه فرقه‌سازی درون‌مذهبی در جریان سلفیه را باید معلول جزم‌اندیشی و روحیه ستیزه‌جویانه تاریخی سلفیه دانست.

سلفیان سنتی در جریان جنگ دوم خلیج فارس به شدت با آرای برخی سلفیان نواندیش - که بعدها به نوسلفیان نام‌بردار گشتند - مخالفت ورزیده و با رویکردی عقیدتی و نه سیاسی در پی خشکاندن ریشه‌های تجددگرایی درون سلفی بودند.

مخالفتان سلفیه سنتی نیز که از تنگ‌نظری و جمودگرایی افراطی ایشان به تنگ آمده بودند، با تسمیه این جریان به «جامیون» به نبرد با نفوذ عمیق این جریان در لایه‌های حکومتی و رسانه‌ای سعودی پرداختند. جامیون نیز بی‌کار ننشسته و با توسل به مبانی مذهبی و کلامی، جریان متصف به «سروریه» را دچار نارسایی عقیدتی به‌خصوص در مبانی توحیدی دانستند. به واقع، سخت‌گیری‌های جامیون در مبانی توحیدی سروریه، پوششی برای انهدام تفکرات انقلابی‌گری و تجددخواهی نوسلفیان سروریه به شمار می‌آمد.

در این میان، گسترش روزافزون محبوبیت اجتماعی نوسلفیان، بخشی از جامیون را بر آن داشت تا با تیغ تیز تبذیع به مقابله با سروریه بپردازند. افراط‌گرایی این گروه به حدی نمایان شد که علمایی چون البانی هم از اتهام بدعت‌گذاری و تفکر ارجائی در امان نماندند. در کنار این امر، ورود این بخش از جامیه به مسئله تبذیع علمایی چون نووی، ابن حجر و شوکانی، سران جامیه همچون ربیع المدخلی را بر آن داشت تا با جعل اصطلاحی به نام «حدادیه»، شیخ محمود حداد و اتباع وی را خارج از دایره سلفیه سنتی جامی تعریف کرده و شروع به ردیه‌نویسی بر ضد ایشان کنند. در این میان، بخش اندکی از دل‌بستگان سلفیه سنتی همچون حلبی الاثری و ابوالحسن سلیمانی، جریان اتهام‌زنی و تجریح علمای سلفی را مهم‌ترین خطر پیش روی مکتب سلفیه معاصر دانسته و منهج هر دو جریان جامیه و حدادیه در متهم کردن مخالفان به مبتدع بودن را مصداق افراط‌گرایی می‌پنداشتند. جامیون نیز به لطف حمایت بی‌دریغ علمای سنتی و حکومتی سلفی، این جریان را «اصحاب تمییع» (ممیعه) خواندند و خطر آن‌ها را کمتر از سروریه و حدادیه نمی‌دانستند. لذا باید تصریح کرد که اساس فرقه‌سازی درون‌مذهبی سلفیه، متأثر از رویکرد جزم‌اندیشانه جامیون و عدم تحمل آرای مخالفان حتی در

حوزه فروع توسط ایشان است؛ امری که ریشه در جمودگرایی، تکفیرمحوری و خشونت طلبی تاریخی ائمه سلفیه دارد.

منابع

۱. آل طاهر، ابو معاذ رائد (الف)، (بی تا)، اجابته السائل فی تلخیص مخالفات علی الحلبي و الردّ علیه فی الاصول و المسائل، بی جا، بی نا.
۲. _____ (ب)، (بی تا)، الاخوان المسلمون و التبلیغ بین العلماء الاکابر و دعاه التمیيع المعاصر، بی جا، بی نا.
۳. _____ (ج)، (بی تا)، البراهین العتیده فی کشف احوال و تأصیلات علی الحلبي الجدیده، بی جا، بی نا.
۴. _____ (د)، (بی تا)، تحذیر السلفی النبیل من تلبیسات اهل الارجاف و التخذیل، بی جا، بی نا.
۵. _____ (ه)، (بی تا)، تحذیر القاصی و الدانی من تأصیلات اهل التمیيع فی کلام الشیخ عبدالمالک رمضان، بی جا، بی نا.
۶. _____ (ی)، (بی تا)، ثوره البرکان فی نفس تخلیطات و تلبیسات ابی صفوه راکان، بی جا، بی نا.
۷. _____ (ر)، (بی تا)، نصب الرایة فی دراسة لفظ لم یعملو خیر قط الواردة فی حدیث الشفاعة روایة و درایة، بی جا، بی نا.
۸. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم (الف)، (۱۹۹۸)، الاسماء و الصفات، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۹. _____ (۲۰۰۰)، التدمریه تحقیق الاثبات للاسماء و الصفات، الرياض، دارالعیبکان.
۱۰. _____ (ب)، (۱۹۹۸)، الفتوی الحمویه الکبری، الرياض، دارالصمیعی.
۱۱. _____ (بی تا)، مجموع الفتاوی، تحقیق: عبدالرحمن بن محمد العاصمی، ریاض مکتبه ابن تیمیه، الطبعة الثانيه.
۱۲. _____ (۱۴۰۶ق)، منهاج السنة النبویة، ریاض دار ابن تیمیه.
۱۳. ابن جبرین، عبدالله، (بی تا)، شرح القواعد الاربع، موقع ابن جبرین، بی جا، بی نا.
۱۴. ابن عبدالوهاب، محمد، (بی تا)، کشف الشبهات، الاسکندریه، دارالایمان.
۱۵. ابن کثیر، عمادالدین اسماعیل بن عمر (۱۹۹۸)، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۱۶. الاحمری، عبدالله بن محمد عامر، (۲۰۰۸)، النقولات السلفیه فی الردّ علی الطائفة الحدادیه، الشارقه، مکتبه الاصاله و التراث، الطبعة الاولى.
۱۷. الارنؤوط، عبدالقادر، (۱۹۸۷)، مجموعه التوحید، دمشق، دارالبناء.
۱۸. البانی، محمد ناصر الدین، (۲۰۰۱)، التوسل انواعه و احکامه، الرياض، مکتبه المعارف.

۱۹. امیرخانی، علی، (۱۳۸۹)، «ابوالأعلى مودودی و جریان نوسلفی گری»، مجله معرفت کلامی، سال اول، ش ۳.
۲۰. ابن صوان الغامدی، ابی عبدالله، (بی تا)، المرقوم من الاجابات المختصرة في المنهج السلفی، منتدى سورالازبکیه. بی جا، بی نا.
۲۱. ابن عثمان، علی خالد بن محمد ابی عبد الاعلی، (۲۰۱۰)، الحدود الفاصلة بین اصول منهج السلف الصالح و اصول القطیبة السروریه، دارالتوحید، المغرب، الطبعة الاولى.
۲۲. ابن عنین، محمد صالح، (۱۴۲۶ق)، ریاض الصالحین، ریاض، مدار الوطن.
۲۳. التویجری، حمود بن عبدالله، (بی تا)، القول البلیغ فی التحذیر من جماعة التبلیغ، بی جا، بی نا.
۲۴. الجزائر، عبدالملک، (۲۰۰۸)، مدارک النظر فی السیاسیه، القاهرة، دارالفرقان، الطبعة التامنه.
۲۵. الجهنی، ابی الحسن، (بی تا)، الطائفة الجامیه المدخلیه و حقیقة السلفیه المفتری علیها، بی جا، بی نا.
۲۶. الحداد، أبی عبدالله محمود بن محمد، (بی تا)، النصیحة فی الرد علی الألبانی و غیره، بی جا، بی نا.
۲۷. الحوالی، سفر بن عبدالرحمن، (۱۴۰۵ق)، ظاهرة الإرجاء فی الفكر الإسلامی، رسالة الدكتوراه جامعة أم القرى، كلية الشریعة و الدراسات الإسلامیة، قسم الدراسات العلیا الشرعیة، فرع العقیدة.
۲۸. _____، (بی تا)، القول الممتاز فی شرح بیان بن باز، بی جا، بی نا.
۲۹. السدلان، صالح، (بی تا)، مراجعات فی فقه الواقع السیاسی و الفکری علی ضوء الكتاب و السنة، بی جا، بی نا.
۳۰. السلیمانی، أبی الحسن مصطفی بن إسماعیل (الف)، (بی تا)، اعلان التکیر علی منهج الشیخ ربیع فی التکفیر، بی جا، بی نا.
۳۱. _____ (ب)، (بی تا)، دفع بهتان ربیع المدخلی فی زعمه منافحتی عنم یدعو إلى حرية الاعتقاد و أخوة الأديان، بی جا، بی نا.
۳۲. _____ (ج)، (بی تا)، القول المفحم لمن انکر مقاله نصحح لا نهدم، بی جا، بی نا.
۳۳. _____ (د)، (بی تا)، النصوص حجتنا و العلماء قدوتنا، بی جا، بی نا.
۳۴. العمر، ناصر، (بی تا)، التوحید اولا، پایگاه اینترنتی «المسلم». بی جا، بی نا.
۳۵. العوده، سلمان، (۱۴۳۱ق)، شکرانها الاعداء، جده، مؤسسة الإسلام الیوم.
۳۶. قطب، سید بن ابراهیم شاذلی، (۱۴۱۲ق)، فی ظلال القرآن، بیروت - قاهره، دارالشروق، چاپ هفدهم.
۳۷. قطب، محمد، (۱۹۹۷)، واقعتنا، القاهرة، دارالشروق.
۳۸. الکردی، عبداللطیف، (بی تا)، مخالفة الحدادیة للسنة و السلفیه، بی جا، بی نا.
۳۹. گروه مؤلفان، (۲۰۱۲)، السلفیة الجامیه، دبی، مرکز المسبار للدراسات و البحوث، الطبعة الاولى.
۴۰. المبرد، معاذ، (بی تا)، کلیات القانون و الحكم بغير ما انزل الله، بی جا، بی نا.
۴۱. متولی، تامر محمد محمود، (۲۰۰۴)، منهج الشیخ رشید رضا فی العقیدة، قاهره، دار ماجد.
۴۲. المدخلی، ربیع بن هادی (الف)، (بی تا)، اضواء إسلامیة علی عقیدة سید قطب، بی جا.
۴۳. _____ (ب)، (بی تا)، مجازفات الحداد و مخالفتها لمنهج السلف، بی جا، بی نا.

۴۴. _____ (ج)، (بی تا)، *موقف ابی الحسن من الاخبار الآحاد*، بی جا، بی نا.
۴۵. المسعری، محمد بن عبدالله، (۲۰۰۴)، *اصل الاسلام و حقیقه التوحید*، لندن، تنظیم التجدید الاسلامی، الطبعة الثامنة.
۴۶. المقدسی، ابو محمد عاصم، (بی تا)، «ملة ابراهیم»، پایگاه منبر التوحید و الجهاد، بی جا، بی نا.
47. Mernissi, Fatima, (1996), *Palace Fundamentalism And Liberal Democracy*, development and changev. 27 (ii).